



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.SC)

در رشته الهیات و معارف اسلامی – فلسفه و کلام اسلامی

تاویل سهروردی از حقیقت حب در قرآن

تحقیق و نگارش

نرگس اسکندری وفائی

استاد راهنما

دکتر سحر کاوندی

استاد مشاور

دکتر طاهره کمالی زاده

اسفند ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را

و به کسانی که عشقشان را در وجودم دمید

به پدر و مادرم

که از نگاهشان صلابت

از رفتارشان محبت

و از صبرشان ایستادگی را آموختم

و

به استاد گرانقدر

سرکار خانم دکتر کاوندی

برای زحمات دلسوزانه‌شان

ت

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان
است و انوار حکمت او در دل شب تار، درخشان. آفریدگاری که خویشان را به ما
شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده
ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

سپاس می‌دارم از پدر و مادرم که دلسوزانه و صبورانه مرا همراهی کردند.

از استاد گرامی، خانم دکتر کاوندی برای راهنمایی‌های روشنگرانه‌شان.

از استاد گرامی، خانم دکتر کمالی‌زاده برای زحماتی که متحمل شدند.

چکیده

در میان حکمای مسلمان، شیخ اشراق از نخستین کسانی است که با استناد به آیات و روایات، دیدگاه‌های خود را در مسیر دستیابی به حقیقت اعلیٰ قرار داده و سپس حقایقی را که به واسطه مشاهده معنوی به دست آورده، به زبانی رمزی و نمادین بیان کرده است تا تنها اهل معرفت، با رمزگشایی و تفکر عمیق در آنها، به معنای اصلی پی ببرند. وی درباره "حب" و "عشق" نیز به زبان رمز سخن رانده که دیدگاه وی در موارد فراوانی قابل ارجاع به آیات قرآن است. هدف از این پژوهش، اثبات وجود شواهد قرآنی بر آراء سهروردی، درباره "حب" و "عشق"، و تطبیق آن با قرآن است؛ برای این منظور، ابتدا دیدگاه وی در این زمینه بیان شده و سپس با اشاره به آیات قرآنی مربوط به "حب" و "عشق"، به تطبیق این دو دیدگاه و تاویل و تفسیر آیات موجود بر اساس دیدگاه سهروردی پرداخته شده است، تا بدین وسیله یکی دیگر از ابعاد معنوی و تربیتی آثار سهروردی آشکار گردد.

سهروردی، عشق را دارای حقیقتی مستقل و آسمانی متعلق به عالم ملکوت می‌داند که پس از خلقت انسان وارد دنیای مادی شده و به افراد انسان تعلق یافته است. او عشق را نشأت گرفته از عقل دانسته و معتقد است عشق مرتبه شدید محبت، و محبت ثمره معرفت است. وی بر این باور است که عشق، تعالی بخش روح انسان و فانی کننده جسم اوست، قدرت عشق تا جایی است که مهار نفس اماره را بدست گرفته، آن را مطیع و فرمان‌بردار خود می‌گرداند. به اعتقاد وی عشق در تمام هستی، جاری بوده و نظام جهان بر اساس قهر و محبت انتظام می‌یابد، او حتی سعادت و شقاوت نفس را نیز بر اساس قهر و محبت تفسیر می‌کند.

بر اساس آیات قرآن، حب امری ازلی، نشأت گرفته از ذات حق تعالی است؛ بین انسان و خدا، حب به معنای حقیقی برقرار است، هم خدا محب و دوستدار انسان است و هم انسان محب حق تعالی است؛ معرفت، پایه و اساس حب است، حب در تمام جنبه‌های زندگی مادی و معنوی انسان جریان دارد. آنچه متعلق حب انسان قرار

می‌گیرد اگر امر خیری باشد، سبب سعادت انسان می‌شود و اگر امر شری باشد جز شقاوت و بدبختی، ثمری برای انسان نخواهد داشت.

اصول دیدگاه‌های سهروردی تا حد زیادی قابل ارجاع به آیات قرآن است و می‌توان گفت وی در بیان مبانی خود، تحت تاثیر قرآن بوده است.

کلمات کلیدی :

حب، عشق، قرآن، سهروردی، محبت

فهرست مطالب

فصل ۱: کلیات پژوهش (۱-۱۷)

۱. مقدمه ۱
۲. بیان مساله ۳
۳. واژه‌شناسی ۵
- ۳-۱. معنای لغوی محبت ۵
- ۳-۲. معنای اصطلاحی محبت ۶
- ۳-۲-۱. در اصطلاح اخلاق ۶
- ۳-۲-۲. در اصطلاح عرفان ۸
- ۳-۲-۳. در اصطلاح فلسفه ۱۰
۴. پیشینه تاریخی بحث ۱۱
۵. پیشینه موضوع ۱۴
۶. نوآوری موضوع ۱۶
۷. روش انجام تحقیق ۱۷

۸ . سوالات تحقیق ۱۷

۹ . فرضیات ۱۷

فصل ۲ : محبت (مهر) از نگاه سهروردی (۱۸ - ۵۷)

بخش ۱ : بررسی عشق (مهر) نزد پیشینیان و معاصران سهروردی

۱ . مقدمه ۱۹

۲ . امام محمد غزالی ۲۱

۲ - ۱ . ماهیت محبت ۲۱

۲ - ۲ . اسباب محبت ۲۲

۲ - ۳ . محبت بین خالق و مخلوق ۲۳

۲ - ۳ - ۱ . محبت انسان نسبت به خدا ۲۳

۲ - ۳ - ۲ . نشانه‌های محبت به خدا ۲۵

۲ - ۳ - ۳ . محبت خدا به انسان ۲۵

۳ . احمد غزالی ۲۷

۳ - ۱ . ماهیت عشق ۲۷

۳ - ۲ . منشا عشق ۲۹

- ۳ - ۳ . محبت بین خالق و مخلوق ۲۹
- ۳ - ۴ . وحدت محب و محبوب ۳۰
- ۴ . عین القضاة همدانی ۳۱
- ۴ - ۱ . ماهیت عشق ۳۱
- ۴ - ۲ . ویژگی‌های عشق ۳۱
- ۴ - ۳ . نشانه محبت ۳۳
- ۴ - ۴ . انواع عشق ۳۴

بخش ۲ : محبت (مهر) از نگاه سهروردی

- ۱ . جایگاه وجودشناسی حب و عشق ۳۷
- ۲ . جایگاه معرفت‌شناسی حب و عشق ۴۱
- ۳ . جایگاه جهان‌شناسی حب و عشق ۴۶
- ۳ - ۱ . انتظام نظام جهان بر اساس حب ۴۶
- ۳ - ۲ . کارکرد عشق و محبت در تعالی انسان ۴۹
- ۳ - ۲ - ۱ . رسیدن به کمال انسانیت ۴۹
- ۳ - ۲ - ۲ . مهار نفس اماره ۵۳

۳ - ۲ - ۳ . سعادت و شقاوت نور اسفهبديه ۵۴

۴ . نتیجه‌گیری ۵۶

فصل ۳ : حب و عشق از منظر قرآن (۵۸ - ۹۴)

۱ . مقدمه ۵۹

۲ . جایگاه وجودشناسی حب و عشق در قرآن ۶۱

۲ - ۱ . حب خدا نسبت به انسان ۶۱

۲ - ۲ . حب انسان نسبت به خدا ۶۹

۲ - ۳ . حب انسان به غیر خدا ۷۱

۲ - ۴ . ماهیت حب ۷۳

۲ - ۵ . منشا حب ۷۴

۳ . جایگاه معرفت‌شناسی حب و عشق ۷۶

۴ . جایگاه جهان‌شناسی حب و عشق ۷۹

۴ - ۱ . ساری و جاری بودن حیدر تمام هستی ۷۹

۴ - ۲ . آثار و نشانه‌های حب ۸۱

۴ - ۲ - ۱ . نشانه‌های تحقق حب خدا در دل بنده ۸۱

۴ - ۲ - ۲ . ثمرات تحقق حب خدا در دل بنده ۸۴

۴ - ۲ - ۳ . نشانه‌های تحقق حب غیر خدا در دل انسان ۸۸

۵ . نتیجه‌گیری ۹۳

فصل ۴ : تطبیق دیدگاه سهروردی با قرآن (۹۵ - ۱۱۴)

۱ . مقدمه ۹۶

۲ . ازلی بودن منشا عشق ۹۷

۳ . شرط نبودن جنسیت در محبت ۹۹

۴ . انتظام نظام جهان بر اساس حب ۱۰۱

۵ . رابطه حب و معرفت ۱۰۴

۶ . نقش محبت در رسیدن به کمال انسانیت ۱۰۵

۷ . نقش محبت در مهار نفس اماره ۱۰۷

۸ . نقش محبت در سعادت و شقاوت انسان ۱۰۹

۹ . نتیجه‌گیری ۱۱۲

بحث و نتیجه‌گیری کلی (۱۱۵ - ۱۲۱)

۱ . دیدگاه سهروردی ۱۱۶

۲ . دیدگاه قرآن ۱۱۸

۳ . تطبیق دیدگاه سهروردی با قرآن ۱۲۱

منابع و مأخذ ۱۲۳

فصل اول

کلیات پژوهش

❖ مقدمه

❖ بیان مساله

❖ واژه شناسی محبت

❖ پیشینه تاریخی بحث

❖ پیشینه موضوع

❖ نوآوری موضوع

❖ روش انجام تحقیق

❖ سوالات تحقیق

❖ فرضیات تحقیق

۱ . مقدمه :

حب، حقیقتی آسمانی است که در زمین ملازم با انسان است، لذا در طول تاریخ ، محبت، یکی از مهمترین دغدغه‌های آدمی بوده ، اهمیت محبت در پرورش روح بر کسی پوشیده نیست. جذبه محبت در مورد انسان تا جایی است که می‌تواند انسان را به سر حد بندگی بکشاند. هنگام ظهور عشق پاک در دل انسان تولد معنوی او شروع می‌شود. انسان عاشق، بنده و سر سپرده محبوب خود است و تمام حرکتهای او برای جلب رضای محبوب است . اهمیت محبت تا جایی است که خداوند متعال، دین را برای تامین محبت واقعی انسان قرار داده و آموزه‌های دینی براساس محبت جهت داده شده و حتی اساس ایمان محبت به خداست. عشق آخرین مرحله محبت است، شعله‌ایست که در دل آدمی افروخته می‌شود و بر اثر آن، آنچه جز خداست می‌سوزد و نابود می‌گردد و عاشق به حیات ابدی و جاویدان می‌رسد. عرفا عشق را آتشی می‌دانند که جان سالک را از ناخالصی‌ها می‌پالاید و همه حجابهای راه را می‌سوزاند و از بین می‌برد. عشق حقیقتی ازلی است که از عقل نشأت گرفته است پس تقابلی با عقل ندارد ، زمانی که روح انسان از نظر معنوی به کمال برسد عشق در وجود او ظهور کرده وجود مادی او را به فنا می‌برد و روح او را به عالم بقا نایل می‌گرداند.

۲ . بیان مساله

لفظ «عشق» در قرآن هرگز به کار نرفته ، اما در مقابل ، در آیات زیادی لفظ «حب» و مشتقات آن به کار رفته ، این آیات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آیاتی که نشان دهنده محبت خدا به انسان است : محبت خدا به انسان ازلی و قدیم است ، قابل تاویل نیست مشابه ندارد و قابل مقایسه با چیزی نیست ، خداوند به جنس انسان با قطع نظر از افرادش محبت دارد .

۲. آیاتی که نشان دهنده محبت انسان به خداست : محبت انسان به خدا حقیقی است و نیازی به تاویل ندارد. مستحق حب به معنای حقیقی آن خداوند است چرا که اسباب حب همگی در او جمعند .

۳. آیاتی که نشان دهنده محبت انسان به غیر خدا اعم از انسانهای دیگر، فرزند، مال، ثروت، مقام و سایر امور دنیوی و مادی است. با تدبر در این آیات می‌توان پی برد که انسان باید در محبت غیر خدا فقط به اندازه‌ای که بتواند بواسطه آن ماموریت خود را بعنوان خلیفه خدا تحقق بخشد، اکتفا کند (رمضان البوطی ، ۲۰۰۹ ، تلخیصی از صفحات ۱۵- ۷۹).

طبق نظر قرآن اگر فطرت ایمانی بر قلب انسان احاطه یابد، حب و عقل وارد مسیر واحدی می‌شوند و رو به سوی هدف واحدی می‌آورند، اما اگر هواهای نفسانی بر قلب احاطه یابد، حب ترجمان هواهای نفسانی و خادم آنها خواهد بود (همان : ۱۲۴).

سهروردی در بحث جهان شناسی اشراقی رابطه نورالانوار با انوار ساطع را بر اساس قهر و محبت تفسیر می کند (شهرزوری ، ۱۳۸۰ : ۳۵۱ - ۳۵۵). او معتقد است بالاترین مرتبه عشق (محبت) و لذت به واجب الوجود اختصاص دارد و در مرتبه بعد عشق و لذت عقول است و پس از آن عشق و لذت نفوس. به نظر وی خداوند عاشق ذات خویش و معشوق ذات خویش است (کمالی زاده ، ۱۳۸۹ : ۱۷۱).

وی محبت را آغاز راه و گردنه نخستین از گردنه های فنا می داند و معتقد است محبت مقامی است که پس از معرفت قرار دارد. محبت از لوزام معرفت است و این معرفت است که محبت را ایجاد می کند. عشق نیز از محبت بر می خیزد، هنگامی که محبت لبریز شود و به غایت رسد عشق نام می گیرد. عشق از دیدگاه او حقیقتی است ازلی که از عقل نشات گرفته و طالب را به مقصود می رساند، پس عشق تقابلی با عقل ندارد بلکه ثمره عقل است. هنگامی که عاشق در مرتبه محبت به غایت سرسپردگی و دلدادگی واصل گردید، سراپا اطاعت و فرمان برداری می گردد اما به اعتقاد وی معشوق بی نیاز از عاشق است. محبت اگر به اوج کمال خود برس ، اسرار خفایا بر انسان پوشیده نمی ماند و حجابها میان او و معشوق بر چیده می شود. از نظر او اگر محبت نور اسفهدیه (نفس) به عالم انوار افزون شود مایه سعادت انسان می شود (سجادی ، ۱۳۸۹ : ۳۲۹).

سهروردی، عشق را دارای حقیقتی مستقل و آسمانی و جزو اقانیم سه گانه (حسن ، عشق و حزن) می داند (سهروردی ، ۱۳۸۰ ، ج ۳ : ۲۶۸). عشق همواره از ناحیه مادون به مافوق است اما از ناحیه مافوق فقط قهر و غلبه به بر مادون است، به خاطر اینکه مافوق همه کمالات مادون را داراست از اینرو مادون نمی تواند معشوق مافوق باشد (سهروردی ، ۱۳۷۷ : ۲۵۷). پس از آفرینش انسان، حسن به آدم تعلق گرفت و عشق نیز که همواره در پی حسن است، ملازم با انسان شد از اینرو نظام زندگی انسان ها بر پایه محبت سامان می گیرد، حب در تمام جنبه های زندگی انسان رخنه کرده و با تار و پود وجودش عجین شده است؛ عشق ثمره معرفت است و معرفت راهنمای انسان است، انسان نسبت به هر چیزی که محبت داشته باشد این حب وی را به همان سو سوق می دهد؛ انسان خواهان سعادت است و به سوی اعمال آنچه وی را به این سعادت برساند ، سوق پیدا می کند، از اینرو گفته اند زمانی که انسان نسبت به خدا محبت حاصل کند، آشکارترین و بهترین اثر آن پیروی از محبوب است و پیروی از محبوب عبارتست از اجرای اوامر او و دوری از نواهی، و ملاک آن هدایت یافتن با کتاب خدا و تمسک به سنت رسول (ص) است. هر چقدر محبت انسان نسبت به خدا بیشتر باشد به کمال نزدیکتر می شود و

پیروی‌اش از خدا و رسول او کامل‌تر خواهد بود، واجباتش را هرگز ترک نمی‌گوید بلکه حتی از آن هم تجاوز کرده به انجام مندوبات می‌رسد (رمضان البوطی ، ۲۰۰۹ : ۵۵).

کسی که مدعی ولایت خدا و دوستی با اوست، واجب است که از رسول او پیروی کند تا پیروی‌اش به ولایت خدا و به حب او منتهی شود. حب بنده باعث قرب او به خدا گشته و او را خالص برای خدا می‌سازد و بندگی‌اش را منحصر در خدا می‌کند و محبت خدا نیز به او باعث نزدیکی خدا به او می‌گردد و در نتیجه حجاب‌های بعد و ابرهای غیبت را از بین می‌برد و حجاب و ابری جز گناه نیست (موسوی همدانی ، ۱۳۷۴ ، ج ۳ : ۲۴۶).

اهمیت محبت و تاثیر آن در پرورش روح و نیز در زندگی دنیوی و اخروی انسان، ضرورت پرداختن به این مبحث را به خوبی نمایان می‌سازد. محبت به خداوند که کمال مطلق است و شوق اتصال و ارتباط با عالم غیب، بررسی این مقوله را ضروری می‌سازد .

۳ . واژه شناسی عشق و محبت

۳ - ۱ . معنای لغوی محبت

۳-۱-۱. محبت : دوست داشتن ، صاحب غیاث اللغات و تبع او صاحب آندراج آرند که کلمه به فتح میم صحیح است . مهر ، ودّ ، و داد ، دوستداری ، مودت و عشق (دهخدا ، ۱۳۳۴ ، ج ۴۴ : ۵۰۴).

۳-۱-۲. مَحَبَّةٌ : (ح ب ب)

(الف) دوستی ، (ب) خواست درونی ، دل‌بستگی (مسعود ، ۱۳۷۶ ، ج ۲ : ۱۵۵۱).

۳ - ۱ - ۳ . المحبةُ : ميل الطبع الى الشيء الاذّ (محبت عبارت است از ميل طبع به سمت امر لذیذ) (معلوف ، ۱۳۸۳ : ۱۱۳).

هجویری برای محبت چند معنی لغوی ذکر می‌کند که عبارتند از :

۱. محبت ماخوذ از حبه به معنی دانه است. یعنی «حَب» را «حُب» نامیده‌اند و از آنروست که اصل حیات در «حُب» است همانگونه که اصل گیاه در «حَب» است.
۲. «حُب» ماخوذ از حُبّی است که آب زیادی در آن باشد. و این وجه تسمیه به این خاطر است که وقتی دل طالب مملو از دوستی شد، در دل وی جز برای سخن دوست جایی نمی‌ماند.
۳. حب ماخوذ است از «حباب الما عند مطر الشدید» (غلیان آبی است در باران شدید). و محبت را به این خاطر حب نامگذاری کرده‌اند که گویی محبت غلیان قلب است هنگامی که مشتاق دیدار محبوب است. دل دوست همواره در اشتیاق رویت دوست، مضطرب و بی‌قرار است (هجویری، ۱۳۸۹: ۳۹۳-۳۹۴).

۳ - ۲. معنای لغوی عشق

- ۳ - ۲ - ۱. عشق: مصدر عشق، افراط الحب و الولع، شدة الحب (افراط در دوست داشتن، ولع، حب شدید) (مسعود، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۱۹۰).
- ۳ - ۲ - ۲. عشق: شگفت دوست به حسن محبوب یا در گذشتن از حد دوستی و آن عام است که در پارسایی باشد یا در فسق یا کوری حس از دریافت عیوب محبوب (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۳۴: ۲۶۵).
- ۴ - ۲ - ۳. به حد افراط دوست داشتن، دوستی مفرط، محبت تام (معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۳۰۳).

۵ - ۳ . معنای اصطلاحی عشق و محبت

۳ - ۳ - ۱ . در اصطلاح اخلاق

افلاطون

حقیقت دوستی رابطه محبتی است که ایجاد می‌شود بین کسی که نه خوب است و نه بد ولی در مجاورت بدی است با کسی که نیک است خواه در تن باشد یا جان. محبت واقعی آن است که به خود آن چیز ختم شود (افلاطون ، ۱۳۶۲ : ۱۰۴-۱۰۹). افلاطون در رساله میهمانی از زبان سقراط نقل می‌کند که عشق از فرشتگان بوده و واسطه بین خدایان و انسان‌هاست؛ عشق طالب خردمندی و زیباییست و خود فاقد آنهاست از اینرو همیشه در تلاش برای بدست آوردن آنهاست (همان : ۳۲۶).

ارسطو

دوستی فضیلتی است یا لاقل به فضیلت ارتباط قریب دارد و دوستی چیزی است که از ضروریات مبرم حیات است. دوستی برای خردان مددی است که ایشان را از خطیای جلو گیری می‌کند و برای پیران که به واسطه ضعف و نارسایی محتاج کمک و پرستاری‌اند، مساعدت و معاونتی است و برای آنهاپی که در عنفوان جوانی می‌باشند، در اعمال شریفه معاضدتی است.

دوستی توسط فطرت در تربت ما غرس شده و بالاخره دوستی تنها یک امر ضروری نیست بلکه به یک عاطفه بسیار شریف و آبرومندی نیز گفته می‌شود. اما نام دوستی به هیچ وجه بر آن شوقی که انسان به مقابل چیزهای بی‌جان دارد اطلاق شده نمی‌تواند (ارسطو ، ۱۳۸۶ : ۲۹۷ - ۳۰۱).

ابن مسکویه

ابن مسکویه معتقد است محبت‌های مردم از روی خواهش، بینش و فکر است و محبتی که در میان حیوانات جریان دارد، بهتر است الفت نامیده شود.

عشق افراط در محبت و اخص از دوستی و مودت است و در میان بیش از دو نفر واقع نمی‌شود، عشق از لذت ناشی می‌شود و محب مفرط را عاشق گویند (ابن مسکویه، ۱۳۸۱: ۱۸۲ - ۱۸۴).

ابو حامد امام محمد غزالی

غزالی در تعریف محبت می‌گوید: محبت عبارتست از میل طبع به سمت چیزهایی که با طبع سازگار است؛ اگر آن میل قوی باشد آن را عشق می‌نامند؛ سازگار و ناسازگار بودن چیزی با طبع مستلزم آگاهی است و آگاهی یا بوسیله حواس است یا بوسیله عقل. از طرفی هم هر یک از حواس دارای لذتی است که به سبب آن لذت چیزی را دوست می‌دارد. بعنوان مثال لذت گوش در شنیدن صداهای خوش و موزون است و آن را دوست دارد و سایر حواس نیز به همین ترتیب دارای لذت خاص خود هستند، اما عقل هم که وجه تمایز انسان و حیوان است، دارای مدرکاتی است که از آنها لذت می‌برد و محبوب او هستند (غزالی، ۱۳۶۴: ۵۷۲).

خواجه نصیرالدین طوسی

حقیقت محبت طلب اتحاد بود با چیزی که اتحاد با او در تصور طالب، کمال باشد و کمال و شرف هر موجودی به حسب وحدتی است که بر او فایض شده است، پس محبت، طلب شرف و فضیلت و کمال بود و هر چه این طلب در او بیشتر بود، شوق او به کمال زیادت بود و وصول بدان بر او سهل‌تر (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۵۹).

۳ - ۲ - ۳. در اصطلاح عرفان